

پیام مقام معظم رهبری به دوازدهمین اجلاس سراسری نماز (در کرمان)

## بسم الله الرحمن الرحيم



این گردهمایی را که همه ساله با حضور بلند پایگان علمی و سیاسی کشور تشکیل می‌گردد، باید یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌ها شمرد؛ زیرا موضوع آن نماز است که برترین فریضه دینی است و مخاطب آن همه آحاد ملت‌اند و از این رو لازم است که دست اندرکاران اجرایی ذی ربط نکاتی را که در آغاز این گردهمایی خطاب به آنان تذکر داده می‌شود صرفاً یک توصیه تشریفاتی نینگارند. در پیام سال گذشته این جانب به حاضران این گردهمایی و دیگران چنین آمده است:

انسان که از سویی گاه مظهر برترین و زیباترین حقایق هستی است، از سویی دیگر، گاه محل بروز زشتی‌ها و پستی‌های بی‌همانند نیز می‌گردد. اگر در جایی و زمانی او را مظهر آگاهی و محبت و فداکاری یا خردمندی و آفرینندگی و پیشرفت در عرصه‌های تعالی، یا آیت شوق و شور و امید می‌بینیم، در جایی و زمانی دیگر او را دچار غفلت و کینه و خودخواهی، یا جهل و عادت و رکود، یا سستی و نومیدی و بدبینی مشاهده می‌کنیم.

این عنصر با استعداد، می‌تواند برترین موجود گیتی تا پست‌ترین پدیده هستی گردد. او مجهز به همه ابزارها و زمینه‌های تعالی و تکامل معنوی و مادی، آفریده شده است. سرشت او، نیک و راه‌نیکی به روی او باز است. خرد و قدرت بر تصمیم‌گیری و انتخاب، دو بال توانای اویند و رسولان الهی راهنمایان و امید دهندگان و کمک‌کنندگان به او.

اما او با این حال می‌تواند تسلیم ضعف‌ها و هوس‌ها و خودخواهی‌ها یا جهل‌ها و غفلت‌ها و عادت‌های خود شود و خود را از همه آن بشارت‌ها و امیدها و معراج‌ها محروم سازد. این همان است که آن را باید «فسادپذیری انسان» نامید و همان است که در عمر دراز بشریت و نیز در عمر هر یک از آحاد بشر، بزرگ‌ترین مصیبت او و خطرناک‌ترین تهدید به شمار رفته است و می‌رود. برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذکر» را به انسان آموخته است.

ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن. یعنی از دل مشغولی‌هایی که آدمی را اسیر وسوسه هوس‌ها می‌کند، یا میل به برتری جویی و کینه ورزی و آزمندی او را ارضا می‌سازد، خود را رها ساختن، یعنی او را از جهنمی که برای خود فراهم کرده است، به بهشت صفا و انس و بهجت و امن بردن. و نماز با ترکیب هماهنگی دل و زبان و حرکت، ناب‌ترین و کامل‌ترین نمونه و وسیله ذکر است.

انسان در زندگی شخصی‌اش، گاه بر اثر محنت‌ها و شدت‌ها و مصیبت‌ها، و در زندگی جمعی‌اش، گاه با حوادث تحول‌آفرین مانند حرکت عمومی به سوی جهاد یا انفاق یا کمک به نیازمندان، به عامل ذکر نزدیک می‌شود، و گاه با سرگرمی‌های هوس‌آلود و غرق شدن در سرخوشی و اشرافی‌گری و عیش‌بارگی، از آن دور می‌افتد. عنصری که می‌تواند در همه این احوال او را به بهشت «ذکر» نزدیک یا نزدیک‌تر کند، نماز است.

نماز در حالات آمادگی روحی، به آدمی عروج و حال و حضور بیشتر می‌بخشد و در حالات غفلت و ناآمادگی، در گوش او زنگ آماده‌باش می‌نوازد و او را به آن وادی نورانی نزدیک می‌سازد. لذا نماز در هیچ حالی نباید ترک شود. در عین شدت و محنت، در بحبوحه میدان جهاد، در هنگام فراغ و آسایش، و حتی در میان محیط لجن‌آلودی که انسان با هوس‌ها و کینه‌ها و شهوت‌ها و خودخواهی‌ها، پیرامون خود پدید آورده است. نماز یک شربت مقوی و شفابخش است، باید آن را با دل و جان خود نوشید و از هر نقطه که در آن واقع شده‌ایم، یک گام یا یک میدان به بهشت رضوان نزدیک شد.

از این روست که نه «حیّ علی الجهاد» و نه «حیّ علی الصّوم» و نه «حیّ علی الأنفاق»، نگفته‌اند، ولی در هر روز بارها سروده‌اند: «حیّ علی الصلوة»

در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، نماز، ما را در حرکت مان مصمم‌تر و نیرومندتر می‌کرد، و امروز که خطر غفلت و عیش‌بارگی و آرزوهای حقیر و تنگ‌نظرانه و عادت‌ها و روزمرگی‌ها ما را تهدید می‌کند، نماز به ما مصونیت می‌بخشد و بن‌بست‌های پنداری را می‌شکند و راه ما را روشن و افق را درخشان می‌سازد. این تنها برگی از کتاب مناقب نماز است، و همین برای به راه انداختن حرکتی جدی‌تر از گذشته، می‌تواند انگیزه‌ای ژرف و کارآمد پدید آورد.

همه باید در این حرکت بزرگ که شایسته است جهاد نامیده شود، خود را ملتزم و متعهد بدانند. علمای دین، روشنفکران، هنرمندان، جوانان، پدران و مادران و همسران، دارندگان منبرها و رسانه‌ها، نویسندگان، و بیش از همه، مسئولان بخش‌های حکومتی مانند: وزارت‌های آموزش و پرورش، علوم و فناوری، ارشاد، صدا و سیما، سازمان‌های تبلیغاتی، مراکز تولید سینمایی، پژوهشگاه‌ها، مدیرانی که نیروی انسانی کلانی در قبضه امر و نهی آن

هایند، مانند: نیروهای مسلح، وزارت خانه ها، کارگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس، وسائل حمل و نقل و غیره و غیره... اینان هر یک به گونه‌ای می‌توانند و می‌باید در این حرکت همگانی سهیم گردند و نقش ویژه خود را بگذارند.

این کار با سهل انگاری و کم همتی به سرانجام خود نمی‌رسد. از برترین شیوه‌ها و فنی‌ترین و هنری‌ترین ابزارها باید بهره گرفته شود. نمایش نماز جماعت مهجوری، با جمع معدودی، آن هم از فرسودگان بی‌نشاط، ترویج نماز جماعت نیست. همچنان که پخش صدای اذان از رسانه‌های صوت و تصویر، کافی نیست. جوان‌های ما هزاران صف جماعت پرشور و حال در سراسر کشور تشکیل می‌دهند، مردم زیادی از آنان که فیلم‌های سینمایی در گزارش واقعیت‌های زندگی آنان ساخته می‌شود، اهل نماز و نیاز و تهجدند، حنجره‌های بسیاری از روی ایمان و تعبد در هنگام اذان، صدا به این سرود معنوی بلند می‌کنند، گروه‌های انبوهی در هنگام نماز از کار روزانه دست کشیده، به مسجد رو می‌آورند، این‌ها می‌توانند در ساخت‌های هنری، چهره زیبا و ترغیب‌کننده این فریضه نجات بخش را به همه نشان دهد.

در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، نماز، ما را در حرکتان مصمم تر و نیرومندتر می‌کرد، و امروز که خطر غفلت و عیش بارگی و آرزوهای حقیر و تنگ نظران و عادت‌ها و روزمرگی‌ها ما را تهدید می‌کند، نماز به ما مصونیت می‌بخشد و بن بست‌های پنداری را می‌شکند و راه ما را روشن و افق را درخشان می‌سازد. این تنها برگی از کتاب مناقب نماز است، و همین برای به راه انداختن حرکتی جدی تر از گذشته، می‌تواند انگیزه‌ای ژرف و کارآمد پدید آورد.

همه باید در این حرکت بزرگ که شایسته است جهاد نامیده شود، خود را ملتزم و متعهد بدانند. علمای دین، روشنفکران، هنرمندان، جوانان، پدران و مادران و همسران، دارندگان منبرها و رسانه‌ها، نویسندگان، و بیش از همه، مسئولان بخش‌های حکومتی مانند: وزارت‌های آموزش و پرورش، علوم و فناوری، ارشاد، صدا و سیما، سازمان‌های تبلیغاتی، مراکز تولید سینمایی، پژوهشگاه‌ها، مدیرانی که نیروی انسانی کلانی در قبضه امر و نهی آنها دارند، مانند: نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها، کارگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس، وسایل حمل و نقل و غیره و غیره. اینان هر یک به گونه‌ای می‌توانند و می‌باید در این حرکت همگانی سهیم گردند و نقش ویژه خود را بگذارند.

این کار با سهل انگاری و کم همتی به سرانجام خود نمی‌رسد. از برترین شیوه‌ها و فنی‌ترین و هنری‌ترین ابزارها باید بهره گرفته شود. نمایش نماز جماعت مهجوری، با جمع معدودی، آن هم از فرسودگان بی‌نشاط، ترویج نماز جماعت نیست. همچنان که پخش صدای اذان از رسانه‌های صوت و تصویر، کافی نیست. جوان‌های ما هزاران صف جماعت پرشور و حال در سراسر کشور تشکیل می‌دهند، مردم زیادی از آنان که فیلم‌های سینمایی در گزارش واقعیت‌های زندگی آنان ساخته می‌شود، اهل نماز و نیاز و تهجدند، حنجره‌های بسیاری از روی ایمان و

تعبد در هنگام اذان، صدا به این سرود معنوی بلند می‌کنند، گروه‌های انبوهی در هنگام نماز از کار روزانه دست کشیده، به مسجد رو می‌آورند، این‌ها می‌توانند در ساخت-های هنری، چهره زیبا و ترغیب‌کننده این فریضه نجات بخش را به همه نشان دهد.

در دانشگاه-ها و دیگر مراکز انسانی انبوه، مسجد می‌تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غم‌گساری و راهنمایی و همدلی را در کنار اقامه نماز، در آن محبت، رحمت و هدایت الهی به نمازگزاران هدیه کند. مجامع دانشجویی و دانش‌آموزی در آن صورت، جذاب‌ترین مرکز تجمع خود را مسجد دانشگاه و مدرسه خواهند یافت و پایگاه تقوا، پایگاه فعالیت جوانان خواهد شد.

به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآوری می‌کنم که سهم مسجد سازی و مسجد پردازی باید در اعتبارات فعالیت‌های فوق برنامه، در ردیف اول و بیش از سهم دیگر بخش‌های این سر فصل باشد.

هجرت هفتگی روحانیون مستقر در مراکز نظامی و غیره، به روستاهای همسایه این مراکز از توصیه‌های پیشین من است که بر آن تأکید می‌ورزم. همچنین فراهم ساختن فضای مادی و معنوی برای اقامه نماز در بوستان‌ها و گردشگاه‌ها و نمایشگاه‌ها و امثال آن.

امامان محترم جماعت، اگر خود بر اثر کھولت و غیره نمی‌توانند وظیفه رابطه و انس و راهنمایی را برای نمازگزاران، به ویژه جوانان فراهم کنند، در کنار خود فضایی جوان و پر نشاط را به کار گیرند و آنان را در کار با خود شریک سازند.

نمازهای جمعه باید پایگاه جذب و نصیحت و تعلیم باشد. امامان محترم جمعه با کمک برگزارکنندگان مراسم نماز، همه سعی خود را در این جهت مبذول دارند.

خدا را سپاس که محیط عمومی کشور، محیط ذکر و نماز و معنویت است، و خدا را سپاس که خیل عظیمی از مردم ما به ویژه جوانان، با نماز و نیاز، پیوندی روحی و عاطفی و عقلانی دارند. لیکن این همه باید گام‌های نهایی شمرده نشود و بیش از گذشته تلاش عالمانه و مدبرانه و نازک اندیشانه در این رویکرد به کار رود.

اکنون این سؤال بسیار جدی و مهم برای این جانب مطرح است، که مسئولان اجرایی مخاطب این مطالبات تا چه حد به وظیفه خود عمل کرده‌اند؟ صدا و سیما، آموزش و پرورش، وزارت علوم و سایر مراکز دانشگاهی، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، مراکز تولید سینمایی، نیروهای مسلح، مدیریت حمل و نقل و مدیریت‌های شهری و دیگران، چه اندازه وظیفه‌ای را که در این پیام از آنان، خواسته شده است به انجام رسانده‌اند؟

از ریاست محترم جمهوری اسلامی و دیگر مسئولان عالی رتبه به جد انتظار می رود که دست اندرکاران را با این سؤال اساسی مواجه سازند و پاسخ فعال آنان را مطالبه کنند.

توفیق همه حضرات را از خداوند متعال مسئلت می کنم.

والسلام علیکم و رحمه الله

سید علی خامنه ای

شانزدهم شهریور 1381